

مهاجرت از شهر به روستا و قشر بندی اجتماعی

پدیده مهاجرت همواره مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفته و بیشتر مهاجرت از روستا به شهر و یا مهاجرت از زادگاه به کشوری بیگانه مورد بررسی بوده است . پژوهندگان در این زمینه بدنبال آن بوده اند که عواقب و پی آمدهای اجتماعی - اقتصادی این مهاجرتها را زیر ذره بین پژوهش قرار دهند . این بار ، " د . س . تورنز " (D. C. Thorns) نوع خاصی از مهاجرت یعنی مهاجرت از شهر به روستا یا دهکده را واریسی کرده و به تحلیل دگرگونیهای که این مهاجرت در ساخت اجتماعی پدید می آورد و تفاوتهای مهاجران و بومیان می پردازد . مقاله " د . س . تورنز " در کتاب جامعه شناسی روستایی تألیف " پ . رامبو " (P. Rambeau) در سال ۱۹۷۲ در پاریس چاپ شده که آقای " علی اکبر نیک خلق " گارشناس تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران آنرا از زبان فرانسه به فارسی برگردانده اند .

حرکت شهرنشینان بسوی دهکدهها پدیده ایست که در کشورهای صنعتی اهمیت روز افزونی پیدا میکند . مهاجرت های نیروی کار یا تحرک ناشی از فراغت شیوه زندگی و ساخت دهکدهها را دستخوش تغییر و دگرگونی قرار می دهد ، در این دهکدهها هنگامی که موقعیت و شرایط زندگی پیدایش نقشهای تازه ای را ایجاب میکند ، رهبران جدیدی ظهور می کنند .

آیا میتوان در این دهکدهها گذار از الگوی محلی به الگوی ملی یا آغاز یک جامعه شهری را مشاهده کرد ؟

ناحیه ای را که برای این مطالعه انتخاب شده ، از یازده قلمرو کشیش بخش جنوبی نوتینگهام شایر (Nottinghamshire) تشکیل گردیده است . این حوزهها با ابعاد گوناگون ، از ۴۱ تا ۱۶ واحد محلی را در بر میگیرد (۱) .

نامه پژوهشکده
سال چهارم ، شماره ۲-۱
بهار و تابستان ۱۳۵۹

در جریان سالهای اخیر خانواده های کارمند از محیط شهری به این ناحیه مهاجرت کرده اند ، تقریباً "نیمی از این مهاجران از شهر نوتینگهام یا نواحی اطراف آن بوده اند . این خانواده ها پیوندهای زیادی با نوتینگهام دارند ، چنانکه اکثریت آنها هر روز تا محل کار رفت و آمد میکنند و بنظر آنها شهر برای انواع خرید ، فراغت ، ورزش و اجتماعهای اختیاری برتری دارد . با وجود این ، هنوز کشاورزی عامل مهمی در جذب نیروی کار ۵ در صد جمعیت فعال بشمار میرود . این ناحیه ، از دهکده هایی تشکیل شده که گروههای تازه ای از جمعیت را پذیرفته است و در کنار نواحی دیگری قرار دارد که در آنها چنین مهاجرت هایی صورت نگرفته است . بنابراین در این ناحیه میتوان بعضی نتایج و آثار این دگرگونیها را کاملاً دریافت .

ساخت اجتماعی این دهکده ها از گروههای زیر تشکیل شده است :

نخست خانواده های . روستای خدمات و صاحبان مشاغل آزاد ، پس از آن گروه " یقه سفیدان " (سطح پائین (کارمندان اداری ، کارمندان غیر متخصص) ، بدنبال آن کارگران ماهر و نیمه ماهر و بالاخره کارگران غیر ماهر و کارگران زراعی .

این نوع قشریندی بانوعی که " پلومان " (D.G. Plowman) و " ال " (A1) در تحقیقاتشان نشان داده اند بسیار نزدیک است (۲) .

در اینجا ذکر برخی از ویژگی های مهم مربوط به گروههای مزبور که در ساخت اجتماعی ده تاثیر قابل ملاحظه ای دارند ضروریست .

در بین این گروهها قبل از هر چیز میتوان آنهایی را که روبرو رشد هستند و آنهایی که در حالت ایستای بسر می برند و یا رو به انحطاط میروند از هم متمایز ساخت .

روستای خدمات و صاحبان مشاغل آزاد به گروه اول تعلق دارند . این گروه به همت

خانواده هایی که از نوتینگهام بسوی ده مهاجرت کرده اند ، گسترش یافته است .

اکثریت افراد این گروه در نوتینگهام کار میکنند و هر روز به آنجا میروند . اغلب علاقه مند به این شهر هستند و در آن میمانند ، بدون اینکه بعضی از فعالیت ها را در دهکده که تنها مرکز توجه و علاقه آنها نیست مورد غفلت قرار دهند .

حوزه مبادلاتشان از محدوده اجتماعی روستائی که اغلب بعنوان یک دهکده خوابگاه یا محلی برای گذراندن تعطیلات هفته بحساب می آید خارج میشود .

دومین گروه مشتمل است بر کارگران ماهر و نیمه ماهر که در صنایع محلی دهکده های مجاور یا در نیووارک (Newark) و نوتینگهام کار میکنند .

افزایش تعداد افراد این گروه بخاطر شرایط کار و دریافت دستمزد بیشتر است و این امر بهتر از آنست که نیروی خود را در بخش کشاورزی صرف کنند و زبان ببینند . این

گروه معرف قشر مرفه طبقه کارگر روستائی است.

قشر ایستا یا قشر روبه زوال از کارگران غیر ماهر یا کارگران زراعی تشکیل گردیده است. کارگران زراعی هر چند هنوز مهمترین طبقه کارگر روستائی اند، اما از لحاظ تعداد روبه کاهش میروند. کارگر زراعی است گراست و از آنجا که خانه و محل کارش بهم متصل است، تغییر کار با محل سکونت جدیدی که در نتیجه آن بدست می آورد معاشرت دارد. برای کارگران زراعی، دهکده مرکز تمام علائق و دلبستگی ها را تشکیل میدهد. آنها اغلب در چند کیلومتری محلی که در آن زندگی میکنند بدینا آمده اند، افق محدودی دارند و سرزمین مورد علاقه شان چندان از محیط دهکده تجاوز نمیکند. این گروه عنصر ایستا و ثابت طبقه کارگر روستائی را تشکیل میدهد.

بررسی آثار و نتایج دگرگونیهای که در ساخت اجتماعی پدید آمده است بمنظور شناخت قشر بندی دهکده ها اهمیت دارد. رشد واقعی گروه رؤسای خدمات و صاحبان مشاغل آزاد که از ورود افراد جدید ناشی میشود به تحکیم و مشخص کردن حدود و الگوهای رفتار مورد انتظار طبقه متوسط کمک کرده است. بدین شکل که این گروه از الگوئی بسیار نزدیک به طبقه متوسط شهری پیروی میکند و نتیجه آن تمایزاتیست که بین طبقه متوسط و دیگر قشرهای اجتماعی ده دیده میشود. با وجود این، پیشرفت طبقه کارگر ماهر و نیمه ماهر یعنی طبقه مرفقی، بسیار جالب است. این پیشرفت موجب پیدائی تنش ها و واکنشهای ستیزه جویانه بقیه طبقه کارگر شده است. شدت این پرخاشگری ها مبین تمایزاتیست که میان برخی ویژگی های موقعیت اجتماعی کارگران مرفه و موقعیت اجتماعی قشر ایستای طبقه کارگر روستائی (عموما "کارگران زراعی") وجود دارد. پیش از هر چیز باید اشاره کرد که بین این دو قشر تفاوت زیادی از لحاظ درآمد، وجود دارد. بعضی کارگران مرفه دو برابر بیشتر از کارگران زراعی مزد دریافت میکنند. بعلاوه برای کارگران قشر مرفه، محل سکونت و کار سخت بهم پیوسته نیست (مثل اغلب کارگران زراعی که خانه و محل کار بهم متصل است). بالاخره نظر میرسد که کارگران مرفه از بهترین ساعات و شرایط کار سود می برند. اینها تمایزات عمده ایست که در موقعیت اجتماعی شان وجود دارد. انگیزه های دیگر ستیزه جویی و تنش ها وقتی بوجود می آید که کارگران مرفه با خانواده هائی از کارگران زراعی که نسبت خویشاوندی دارند ارتباط و نزدیکی حاصل کنند. کارگران مرفه میتوانند از طریق افراد کارگران زراعی که با آنها رابطه خویشاوندی برقرار کرده اند، گسترش یابند. افزایش سریع ثروت و بالا رفتن پایگاه اجتماعی آنها، عوامل مهمیست که دشمنی دیگران را بر می انگیزد. از دیدگاه جامعه شناس این احساس را میتوان نتیجه یک "محرومیت نسبی" تلقی کرد.

اخیراً " ثابت شده است که این احساس، آرزوها و گرایش های افراد را در جهت تحرک اجتماعی تحت تاثیر قرار می دهد (۳) . میتوان پیش بینی کرد فشارهای شدیدی که به فرزندان کارگران زراعی وارد میشود ، آنها را بر می انگیزد که بخاطر بدست آوردن شغل مورد آرزوی خود و پایگاه اجتماعی بالاتر ، از بخش روستایی فاصله بگیرند . خانواده شان این احساس محرومیت نسبی را که بر آنها فشار وارد می آورد تحمل میکنند و رنج می برند . اکنون بایسته است نقشی را که افراد جدید در ساخت اجتماعی ده بر عهده گرفته اند مشخص کنیم . یک بررسی (۴) نشان داده است که ساخت اجتماعی این نوع دهکده ها بر حسب روندهای تاثیر پذیری از قطب های تولید تغییر میکنند . عناصر جدید ، بویژه طبقه متوسط دارای هنجارها و رفتارهایی بسیار نزدیک به " طبقات ملی " هستند و بدین سان آنها در موقعیت محلی الگوهای نوع ملی قرار میگیرند . این امر ما را وادار میکند که مجدداً " ساخت اجتماعی محلی را مورد ملاحظه قرار دهیم . بنابراین ، برای اثبات این پدیده در منطقه مورد بررسی لازم است قبل از هر چیز طبقه متوسط مورد توجه قرار گیرد . در اینجا روشن میشود که افراد جدید در مقابل بومیان قرار میگیرند . بین آنها از لحاظ ترکیب شغلی ، سطح آموزش ، هرم سنی و تعداد خویشاوندانی که در همان ناحیه ساکن هستند ، تفاوتی ویژه ای آشکارا بچشم میخورد (۵) .

از این داده ها استنباط میشود که الگوهای طبقه متوسط مهاجر بسیار شبیه و همانند الگوی ملی چنانچه در مطالعات جدید نشان داده شده است می باشد (۶) و بنابراین ، میتوان به تبیین ساخت اجتماعی ده باری کرد . بنظر نمی رسد که اختلاف عمیقی بین افراد جدید و طبقه کارگر " استقرار یافته " (۷) وجود داشته باشد .

تغییر عمده در تمایز روز افزونیست که در قشر اخیر کارگر وجود دارد ، اختلاف بوسیله مالکیتی که گروهی از میان آنها از آن سود می برند بروز میکند . بهمین ترتیب تغییر و دگرگونی بیشتر با ظهور یک طبقه جدید کارگر پدیدار میشود ، نه از طریق طبقه کارگر استقرار یافته .

تا بحال در باره دگرگونیهایی که در ساخت نظام اجتماعی ده روی داده ، سخن رفته است و مناطقی را که در آنها با احتمال زیاد تنش ها و تضادهایی درآبنده بوجود خواهند آمد مشخص شده است . اکنون موقعیت کشاورز را در این ساخت مورد بررسی قرار می دهیم .

در این مطالعه کشاورزان بر اساس ملاک های اندازه گروهها ، گرایش آنها در پذیرش فنون جدید و میزان در آمد و بر حسب پایگاه اجتماعی به سه گروه بالا ، متوسط و پائین تقسیم شده اند .

کشاورز پایگاه اجتماعی بالا دارای یک چار چوب مراجعه و یک جهت فکری بسیار نزدیک به طبقه متوسط می‌باشد. معنی دارای افق فکری وسیعی است که از مرز ده می‌گذرد و بنا بر این به آسانی در طبقه متوسط روستائی با گسترشی که دارد ادغام میشود. کشاورزی که در پایگاه اجتماعی پائین قرار دارد نسبت به پایگاه اجتماعی خود آگاه است و احساس میکند که موقعیتش بر اثر پیشرفت روز افزون طبقه کارگر تنزل کرده است. مثلاً "کشاورزی که در دهه ۵۰ هکتار زمین زراعت می‌کند و سابقاً "میتوانست کارگری استخدام کند، بعد از این مجبور است که فقط روی کار خود و خانواده‌اش حساب کند، فکر میکند که موقعیت او رو به انحطاط میرود (بعبارت دیگر احساس محرومیت نسبی میکند) او دیگر کارفرما نیست، اکنون درآمدش نسبت به گذشته و دیگر گروهها، بویژه نسبت به درآمد کارگران ماهر کاهش یافته است. از این پس او در واحد بهره برداری‌اش تنها می‌ماند و باید بیشتر کار کند. برای استفاده از یک روز تعطیل با دتواریهایی زیادی مواجه میشود. این کشاورزان عموماً "بهره برداران کوچکی هستند که پایگاه اجتماعی‌شان پائین است و نسبت به مسائل پایگاه خود بسیار آگاه‌اند. این کشاورزان در برابر هر نوع اقدامی که موجب تنزل پایگاه اجتماعی آنها میشود به شیوه‌های گوناگونی واکنش نشان میدهند. برخی در برابر قشر جدید و طبقه کارگر مرفه که هر روز بین شهر و ده در رفت و آمدند و چندان علاقهای به زندگی روستائی ندارند، جنبش‌های دشمنانه‌ای ظاهر میکنند. بعضی دیگر بر عکس بخاطر جبران تنزل پایگاه اجتماعی به فعالیت زیادی در دهکده می‌پردازند و خود را بعنوان شخصیت‌های برجسته‌ای به مردم تحمیل میکنند.

زیرنویس‌ها

- ۱- همین مقاله از روی متن فرانسه کتاب "Sociologie Rurale" تألیف Placide Rambeau که به سال ۱۹۷۲ در پاریس انتشار یافته، ترجمه شده است.
- 2- D.G.Plowman, W.E.Minchinton and M.E.Stacey "Local status in England and Wales", Sociological Review 11, 1962, 2 pp.767 - 202.
- 3- W.G.Runciman, Relative Deprivation and Social Justice London Routledge and Kegan Paul, 1966.
- 4- R.E. Pahl, "urbs in rure" Geographical Papers n^o 2, London School of Economics and Political Science.
- 5- Thorns ' op, cit, chap,3.

6- Cf. J. Klein Samples from English culture; London, Routledge and Kegan paul, 1965.

7- J.H.Goldthorpe and D.Lockwood" Affluence and the British class structure", Sociological review 11. 1963, 2pp.133-163.

ترجمہء علی اکبر نیک خلق



پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی